

نظریهٔ سیاسی افلاطون و رالز

(بازخوانی سویه‌های متناظر در قرن بیستم)

حبيب عشایری



قصیده سرا

www.ketab.ir



نظریه سیاسی افلاطون و رالز
(بازخوانی سویه‌های متناظر در قرن بیستم)

حبیب عشایری

ویراستار: امیر رضایی

طراح جلد: محسن توحیدیان

آماده‌سازی قبل از چاپ: آرمیتا رفیع‌زاده

چاپ و صحافی: قشقایی

چاپ اول: ۱۴۰۱ تیراز: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۸-۱۷-۴

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com

سرشناسه	عشایری، حبیب، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	نظریه سیاسی افلاطون و رالز: (بازخوانی سویه‌های متناظر در قرن بیستم) / حبیب عشایری؛ ویراستار: امیر رضایی.
مشخصات نشر	تهران: قصیده سرا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۵۶ ص.
شابک	978-964-8618-17-4
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
عنوان دیگر	بازخوانی سویه‌های متناظر در قرن بیستم
موضوع	افلاطون، ۴۲۷ - ۳۴۷ ق.م. — دیدگاه درباره عدالت
موضوع	Plato -- Views on justice
موضوع	افلاطون، ۴۲۷ - ۳۴۷ ق.م. — دیدگاه درباره خیر و شر (فلسفه)
موضوع	(Plato -- Views on good and evil (Philosophy
موضوع	رالز، جان، ۱۹۲۱ - ۲۰۰۲ م — دیدگاه درباره عدالت
موضوع	Rawls, John -- Views on justice
موضوع	افلاطون، ۴۲۷ - ۳۴۷ ق.م. — نقد و تفسیر
موضوع	Plato-- Criticism and interpretation
موضوع	رالز، جان، ۱۹۲۱ - ۲۰۰۲ م — نقد و تفسیر
موضوع	Rawls, John -- Criticism and interpretation
موضوع	عدالت — دیدگاه فیلسوفان (Justice -- *Views of philosophers)
	خیر و شر (فلسفه) (Good and evil (Philosophy))
	علوم سیاسی — فلسفه — تاریخ — قرن ۲۰ م.
	Political science -- Philosophy -- History -- 20th century
رده‌بندی کنگره	B3۹۸
رده‌بندی دیویی	۱۸۴
شماره کتابشناسی ملی	۸۶۶۴۵۰۷

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۲۳	۱. مثال خیر در ساحت نظریه
۲۵	مثال خیر در اندیشه افلاطونی
۲۹	مثال خیر در اندیشه متفکران سیاسی
۳۰	ارسطو
۳۲	دوره میانه
۳۴	جرج ویلهلم فردریک هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱)
۳۹	کارل ریموند پوپر (۱۹۰۲-۱۹۹۴)
۴۴	مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶)
۵۰	لنواشتر اوس (۱۸۹۹-۱۹۷۳)
۵۳	۲. مثال خیر در فلسفه سیاسی افلاطون
۵۴	زامداری فیلسوفان
۵۶	طبقه‌بندی حکومت‌ها
۵۷	نوشته‌های سیاسی
۶۲	طبقه‌بندی سیاسی زامداران
۶۵	فضیلت سیاسی و دانایی پیش‌شرط عدالت
۶۷	اخلاق و سیاست
۶۹	مدینه فاضله و غیرفاضله
۷۱	ویژگی‌های مدینه فاضله
۷۳	دولتشهر و معرفت خیر
۷۵	عدالت افلاطونی
۷۹	۳. افلاطون و اندیشه سیاسی معاصر
۷۹	ویژگی‌های اندیشه قرن بیستم

۸۱	ماهیت اندیشه قرن بیستم
۸۴	چرایی بازگشت به عدالت
۸۶	محورهای مهم اندیشه قرن بیستم
۸۸	آزادی
۹۱	عدالت
۹۴	اخلاق گرایی
۱۰۵	۴. افلاطون و فلسفه سیاسی رالز
۱۰۶	رالز و عدالت
۱۰۹	لیبرالیسم سیاسی
۱۱۰	عدالت افلاطون و عدالت سنتی
۱۱۱	افلاطون و آزادی فردی
۱۱۳	مثال خیر و عدالت سیاسی
۱۱۴	قانون از دیدگاه افلاطون
۱۱۷	نظریه سیاسی افلاطون
۱۲۰	ایده‌های بنیادی
۱۲۲	آزادی سیاسی
۱۲۴	خیر جامعه سیاسی
۱۲۴	اصول قانون مردمان
۱۲۷	آموزه جنگ عادلانه
۱۲۸	دموکراسی و قانون اساسی
۱۲۹	قلمرو امر سیاسی
۱۳۱	فرهنگ سیاسی عمومی
۱۳۲	مفهوم عدالت در اقتصاد سیاسی
۱۳۳	نقش نافرمانی مدنی
۱۳۴	تباین بین حق و خیر
۱۳۵	خیر معنای عدالت
۱۴۱	۵. نتیجه‌گیری
۱۴۷	پی‌نوشت
۱۵۱	منابع

پیشگفتار

متفکران سیاسی در ادوار زمانی گوناگون ضمن توجه خاص به آرا و اندیشه‌های افلاطون و به‌ویژه نظریه «مثال خیر» در فلسفه سیاسی او نسبت به ایده‌های این فیلسوف یونانی واکنش‌های موافق و مخالفی نشان داده‌اند. تأثیر آرا و افکار افلاطون در اندیشه سیاسی سده بیستم آن‌قدر زیاد است که وایتهد فیلسوف معروف غرب معتقد است بخش قابل‌توجهی از نظریات فلسفی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از اندیشه اوست. نظریه «مثال خیر» افلاطون علاوه بر تأثیراتش بر آرا و افکار فلاسفه غربی، در عالم اسلام نیز واکنش‌های متفاوتی را برانگیخته است.

البته موضوع این کتاب بررسی تأثیرات فلسفه سیاسی افلاطون بر جهان اسلام و ایران نیست. فقط یادآوری می‌شود که ابن‌سینا به پیروی از ارسطو نظریه مثل افلاطون را با ذکر دلایل خاص خود باطل دانست. ولی شیخ اشراق و صدرالمتهلین آن را پذیرفته و سعی کردند آن را مدلل سازند. البته مدینه فاضله فارابی به‌وضوح افلاطونی است. او اهمیت «مثال خیر» و نقش آن را می‌دانست و آن را در فلسفه‌اش به کاربرد. لئو

اشتراوس از فیلسوفان سیاسی قرن بیستم که در صدد ارائه تفسیری بدیع از جایگاه و موقعیت فلسفه سیاسی اسلام بود، بر این باور است که فلسفه سیاسی اسلام از حیث خاستگاه تاریخی و معرفتی با فلسفه سیاسی افلاطون هماهنگی دارد (Straus, 1995: 82). او این هماهنگی را از یک سو در ماهیت وحیانی و شریعت اسلام و از سوی دیگر در آموزه‌های سیاسی افلاطون به‌ویژه در کتاب *قوانین* افلاطون جستجو می‌کرد (Ibid).

اصول عدالت رالز در چند دهه اخیر تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر فلسفه سیاسی غرب به‌ویژه در آمریکای شمالی و کشورهای انگلوساکسون گذاشته است. از این رو می‌توان فلسفه سیاسی را بر اساس اصول عدالت او و از منظر دو گروه لیبرتارین‌ها و کامیونیتارین‌ها (جماعت‌گرایان) پیگیری کرد.

در پایان لازم است فرصت را مغتنم بشمارم و از زحمات اساتید ارجمند و فرهیخته آقایان دکتر غلامرضا نقوی و دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر به دلیل ارائه رهنمودهای ارزنده تشکر و قدردانی نمایم.